

ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۴/۱۴

محمد طالبی*

حسن کیانی**

چکیده

بررسی چالش‌های پیش روی بانکداری بدون ربا، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که محققان و متفکران به آن می‌پردازند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از چالش‌های اصلی که نظام بانکداری کشور با آن مواجه است، عدم تطبیق نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک‌ها با شکل فقهی عقود مشارکتی است. بدین معنا که در مقام اجرا، آنچه در بانک‌ها به اسم عقود مشارکتی در حال اجراست، بسیار متفاوت است از آنچه که شارع به نام مشارکت معرفی می‌کند. مقاله حاضر پس از عنوان کردن قابلیت‌های ساختاری و کارکردی بانک‌ها و تطابق آن با الزامات شرعی، قانونی و اجرایی عقود مشارکتی این فرضیه را بررسی می‌نماید که ریشه اصلی این چالش در این است که بانک به عنوان یک ظرف توان گنجایش عقود مشارکتی به عنوان مظروف را ندارد. بانک در بعد خرد و کلان اقتصادی دارای وظایف و ویژگی‌هایی است که اجرای عقود مشارکتی با آن‌ها سازگاری ندارد و الزام به این امر هم بانک‌ها را در اجرای وظایف ذاتی خود با مشکل مواجه می‌سازد و هم موجبات اجرای ناقص این عقود را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی

بانکداری اسلامی، چالش‌های عقود مشارکتی، مشارکت، مضاربه

JEL: E51, E43, G21

talebi@agri-bank.com

kiaee@ut.ac.ir

* استادیار مدیریت مالی دانشگاه امام صادق(ع) و نویسنده مسئول

** دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی دانشگاه تهران

مقدمه

در دو دهه گذشته بانکداری اسلامی رشد قابل ملاحظه‌ای در سراسر جهان داشته است. آمارها نشان می‌دهد رشد سالانه بانکداری اسلامی به ۱۵ تا ۲۰ درصد می‌رسد که در این صورت این صنعت در هر پنج سال دو برابر خواهد شد. هم‌اکنون ۴۷۵ مؤسسه مالی اسلامی در بیش از ۷۵ کشور جهان در حال فعالیت هستند که خود حاکی از میزان توسعه و گسترش صنعت بانکداری اسلامی در جهان است (Malik et al., 2011). ارزش دارایی‌های صنعت بانکداری اسلامی در جهان در پایان سال ۲۰۰۹ میزان ۸۲۲ میلیارد دلار بود که پیش‌بینی می‌شود این رقم برای سال ۲۰۱۰ به میزان یک تریلیون دلار برسد (Earnest & Young, 2010). همچنین، ارزش صنعت تکافل اسلامی در پایان سال ۲۰۰۹م. در جهان ۶/۹ میلیارد دلار بود که پیش‌بینی می‌شود این رقم با رشد چشمگیر سالانه ۳۲ درصد به میزان ۱۱/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱م. بالغ شود (Earnest & Young, 2011). یکی از دلایل اصلی رشد سریع صنعت بانکداری اسلامی در جهان تمایل مسلمانان به استفاده از خدمات مالی مطابق با معیارهای شرعی است. این تمایل که ناشی از تحریم شدید ربا در دین مبین اسلام است، موجب شده است تقاضای خدمات مالی اسلامی در میان مسلمانان جهان به‌شکل روزافزون رشد کند و دقیقاً به همین علت است که بانک‌های متعارف بزرگ دنیا نیز با تأسیس واحدهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، در حال افزایش سهم خود از این صنعت هستند.

همراه با رشد سریع بانکداری اسلامی در جهان، متفکران و دانشمندان اسلامی نیز همواره چالش‌ها و مشکلات پیش روی این صنعت را به‌دقت بررسی کرده‌اند و با ارائه راهکارهایی برای این چالش‌ها سعی داشته‌اند از کند شدن و یا توقف حرکت رو به جلوی بانکداری اسلامی جلوگیری کنند. اقبال، احمد و خان (۱۳۸۷) چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی را در دو حوزه سازمانی (نهادی) و عملیاتی به تفصیل بررسی کرده و راهکارهایی نیز برای این چالش‌ها ارائه کرده‌اند. بسیاری از مطالعات مانند اقبال و مولینکس (Iqbal & Molyneux, 2005) یکی از چالش‌های اصلی بانکداری اسلامی را کمبود نیروهای کارشناس فقهی در این حوزه عنوان کرده‌اند. اقبال و میرآخور (Iqbal & Mirakhor, 2007) و خان و احمد (Khan & Ahmed, 2001) نیز مدیریت ریسک به‌ویژه

ریسک عملیاتی در بانکداری اسلامی را به‌عنوان یکی از مسائل اصلی بررسی کرده‌اند. اما در بسیاری از مطالعات به کارگیری بسیار محدود یا در برخی موارد نادرست عقود مشارکتی به‌عنوان چالش اصلی بانکداری اسلامی معرفی شده است؛ برای مثال، صدیقی (Siddiqui, 2006) و عثمانی (Usmani, 2008) معتقد هستند ابزارهای مالی اسلامی با درآمد ثابت به‌ویژه صکوک با ابزارهای مالی متعارف بسیار مشابهت دارد و در حوزه تعیین نرخ بازدهی، اعتباردهی به اوراق و توزیع ریسک به یک شیوه عمل می‌کنند. دار و پرسلی (Dar & Presley, 2000) بر این باور هستند که بانک‌ها نمی‌توانند نظارت کامل و صحیحی بر پروژه‌های مشارکتی داشته باشد و همین مشکلات نظارتی موجب می‌شود بانک‌ها توانایی مدیریت و کنترل عقود مشارکتی نداشته باشند.

در داخل کشور نیز مطالعاتی در زمینه بررسی چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی به‌ویژه در مورد ضعف به کارگیری عقود مشارکتی در بانک‌ها انجام شده است. توتونچیان (۱۳۸۱) پس از بیان برخی چالش‌های نظام بانکداری در کشور مانند عدم تسلط کارکنان بانک‌ها بر پیچیدگی‌های بانکداری اسلامی، مشکلات حسابداری و نظارت مستمر بانک مرکزی بر بانک‌ها به برخی مشکلات در حوزه عقود مشارکتی می‌پردازد و پیشنهاد می‌کند تا از یک سو، برای سپرده‌گذاران ریسک‌پذیر این امکان وجود داشته باشد تا وجوه خود را در حسابی با سود متغیر واریز کنند و از سوی دیگر، بانک‌ها نیز با این وجوه پروژه‌های مشارکتی صحیحی را اجرا کرده و به سپرده‌گذاران ریسک‌پذیر سود واقعی پرداخت کنند. موسویان (۱۳۸۹) عدم اجرای صحیح بانکداری اسلامی در کشور را به وجود برخی نارسایی‌ها در قانون عملیات بانکی بدون ربا نسبت داده است. او ضمن بررسی نارسایی‌های موجود در قانون فعلی، سعی کرده است تا یک نسخه پیشنهادی از قانون را به‌عنوان جانشین برای قانون فعلی، به‌همراه الگویی جدید برای اجرای بانکداری اسلامی در کشور ارائه دهد. در برخی مطالعات دیگر نحوه اجرای قانون بانکداری بدون ربا به‌عنوان چالش اصلی بانکداری اسلامی عنوان شده است؛ برای مثال، صمصامی و داوودی (۱۳۸۹) در یک مطالعه جامع، عملکرد بانکداری بدون ربا را در کشور در مورد هرکدام از عقود اسلامی بررسی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند اگرچه پس از سال ۱۳۶۲ و تصویب «قانون عملیات بانکی بدون ربا» شکل

قانون عملاً حفظ شده و چارچوب قانون در قراردادهای میان بانک و مشتری نیز وجود دارد، وجود نرخ ثابت هم در سمت سپرده‌گذاران و هم در سمت تسهیلات‌گیرندگان و صوری شدن برخی عقود مثل عقود مشارکتی موجب شده است تا در اجرای قانون انحراف ایجاد شود.

محققان در این مقاله بر این اعتقاد هستند که عدم تطابق نهاد بانک به‌عنوان یک ظرف برای ارائه خدمات مالی با برخی عقود که در آن به‌عنوان یک مظلوف مورد استفاده قرار می‌گیرند، یک چالش مهم برای بانکداری اسلامی محسوب می‌شود که این موضوع در مطالعات قبلی کمتر مورد توجه متفکران اسلامی قرار گرفته است. در شرایطی که بانک به لحاظ ماهوی قابلیت استفاده از برخی عقود اسلامی را ندارد، معرفی و اجرای این قبیل از عقود برای ارائه خدمات مالی اسلامی علاوه بر مخاطره عدول از معیارهای شرعی، منجر به صوری شدن عملیات بانکداری اسلامی نیز می‌شود و حتی کارکردهای بانک در حوزه اقتصاد کلان را نیز با مشکل مواجه می‌سازد. تجربه اجرای عقود مشارکتی در بانک‌ها به‌وضوح این موضوع را نشان می‌دهد که این مقاله به تبیین آن پرداخته است. ساختار مقاله به‌نحوی است که در بخش دوم عقود مشارکتی در فقه و بانکداری مورد مقایسه قرار می‌گیرد به‌نحوی که می‌توان میزان انطباق نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک و مشارکت معرفی‌شده توسط شارع را ارزیابی کرد. بخش سوم به تبیین تفاوت ماهوی نهاد بانک با عقود مشارکتی به‌عنوان ریشه اصلی این عدم انطباق در مقام اجرا می‌پردازد و برخی از مصادیق عدم تطابق بانک با عقود مشارکتی را در سطح خرد و کلان اقتصاد بررسی می‌نماید. در بخش چهارم نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب ارائه می‌شود.

۱. مقایسه تطبیقی عقود مشارکتی در فقه و ساختار مورد عمل در نظام بانکی

موضوع عدم انطباق نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک‌های اسلامی با آنچه به‌عنوان عقود مشارکتی در شرع مقدس اسلام معرفی شده است، در مطالعات مختلفی بررسی شده است (اقبال، احمد و خان، ۱۳۸۷ و صمصامی و داوودی ۱۳۸۹). این عدم انطباق زمانی ایجاد می‌شود که بانک به‌عنوان یک نهاد مالی ظرفیت پذیرش شرایط و

ویژگی‌های مربوط به عقود مشارکتی به شکل اصلی آن را ندارد و در نتیجه، برای استفاده از عقود مشارکتی به دلایل متفاوت، از جمله مدیریت ریسک که در قسمت بعدی به آن اشاره می‌شود، درصدد تغییر این شرایط و تطبیق آن با وضعیت خود بر می‌آید. در این قسمت سعی می‌شود ابعاد این عدم تطابق به شکل کامل بررسی گردد.

۱-۱. عقد مشارکت

۱-۱-۱. ویژگی‌های مهم عقد مشارکت از نظر فقهی

یکی از مهم‌ترین عقود مشارکتی که در بانکداری اسلامی استفاده می‌گردد، عقد مشارکت است. «عقد مشارکت توافقی است که بر اساس آن دو نفر یا بیشتر با اموالشان به کسب و کار می‌پردازند و در سود و زیان حاصل شده شریک می‌شوند» (ایروانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۸۹). این عقود دارای مشخصات و ویژگی‌های فقهی زیادی هستند که در این قسمت سعی می‌شود به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و شرایط صحت این عقود اشاره شود.

بر اساس کتب فقهی (ایروانی، ۱۳۸۳ و علامه حلی، بی‌تا)، برخی از مهم‌ترین شرایط و ویژگی‌های مطرح در اجرای صحیح عقد مشارکت به صورت زیر است:

- پس از عقد مشارکت، هیچ‌کدام از شرکا بدون اجازه دیگر شرکا اجازه تصرف در اموال و دارایی‌های موضوع مشارکت را ندارند؛
- عقد شرکت جایز است؛ یعنی هرکدام از شرکا هر زمان که بخواهد می‌تواند تقاضای فسخ مشارکت را بنماید، اما زمانی با تقاضای فسخ یکی از شرکا مشارکت پایان می‌یابد و اموال تقسیم می‌شود که در این مسئله موجب ضرر مالی دیگر شرکا نشود؛
- سود و زیان به نسبت سهم هر طرف در موضوع مشارکت تقسیم می‌شود، مگر اینکه در ابتدای مشارکت یک نسبت دیگر برای تقسیم سود و زیان مورد توافق قرار گرفته باشد.

۱-۲. نحوه استفاده از عقد مشارکت در نظام بانکی

برای بررسی میزان انطباق شرایط عقد مشارکت با آنچه به عنوان عقد مشارکت در بانکداری اسلامی استفاده می‌گردد، باید نحوه به کارگیری عقد مشارکت در نظام بانکی نیز بررسی گردد. زمانی که یک فرد برای اخذ تسهیلات مشارکتی به بانک مراجعه می‌کند، بر اساس قراردادی که مابین آن‌ها امضا می‌شود، بانک در طرح سرمایه‌گذاری شریک می‌شود. طرح پیشنهادی دارای یک میزان پیش‌بینی شده از سرمایه‌گذاری مورد نیاز است. بانک نسبتی را برای مشارکت انتخاب می‌کند و متعهد می‌شود سهم خود از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده مورد نیاز را طی اقساطی به توجه به پیشرفت کار به تسهیلات‌گیرنده بپردازد و در نهایت نیز به نسبت مشارکت، از میزان سود حاصل از این طرح بهره‌مند شود.

اگر مشارکت قرار باشد به همین صورت میان بانک و مشتری واقع شود، بانک با ریسک‌هایی مواجه خواهد شد که پذیرش آن برای یک نهاد کم‌ریسک مثل بانک بسیار سخت است؛ بنابراین، آنچه مشاهده می‌شود، این است که بانک برای پوشش این ریسک‌ها، در قراردادی که با مشتری امضا می‌کند، بندهایی اضافه می‌کند که با وجود اینکه شاید نتوان از لحاظ شرعی اشکالی بر آن‌ها وارد کرد، اما آنچه در واقع محقق می‌شود، فاصله زیادی با آنچه مشارکت نامیده می‌شود، دارد. صمصامی و داوودی (۱۳۸۹) در پیوست فصل دوم، نمونه‌ای از یک قرارداد مشارکت مدنی را که بین بانک و مشتری منعقد می‌شود، به صورت کامل ارائه کرده‌اند.^۱ بر اساس این قرارداد مشارکت، مشتری متعهد می‌شود:

- کلیه هزینه‌های مازاد بر میزان سرمایه مورد نیاز پیش‌بینی شده مندرج در قرارداد را از اموال خود پرداخت کند و سهم بانک از هزینه‌های احتمالی را در ازای مبلغ اندکی مثلاً یک هزار ریال صلح نماید؛
- ضمن این عقد صلح همه تعهدات قرارداد را بپذیرد و حق فسخ را از خود سلب کند (تبدیل عقد مشارکت به یک عقد لازم با استفاده از شرط ضمن عقد صلح)؛
- در صورتی که تسویه در زمان سررسید به هردلیلی عملی نشد، باید مال‌الاجاره دوران تصرف را به میزان... درصد از سهم‌الشرکه بانک برای هر سال به بانک بپردازد؛

• اگر زیانی متوجه سرمایه بانک شود، حتی به علت حوادث قهری، زیان وارد شده به اموال بانک را به‌میزانی که بانک مشخص می‌کند، از اموال خود به‌طور مجانی به بانک تملیک کند.

• در صورت تمایل بانک برای فروش سهم‌الشرکه خود در پایان قرارداد، شریک ضمن عقد صلح تعهد می‌کند این سهم را به قیمت تمام‌شده به اضافه سود متعلقه به مشارکت مدنی که... درصد در سال است، بخرد.

• اگر قیمت سهم بانک از قیمت تمام‌شده کمتر بود، آن را به مبلغ فوق بخرد و مابه‌التفاوت را از اموال خود مجاناً پرداخت کند.

بررسی این موارد نشان می‌دهد آنچه در عمل در بانک به‌عنوان عقد مشارکت استفاده می‌گردد، بسیار متفاوت از شکل اولیه و اصلی مشارکت است. در مفهوم اصلی مشارکت اگر هزینه‌ها از میزان پیش‌بینی شده بیشتر شد، هرکدام از طرفین باید به نسبت مشارکت میزان اضافه را تأمین کنند. همچنین، زیان ناشی از حوادث قهری و طبیعی موجب از میان رفتن سرمایه دو طرف می‌شود و قبول آن از سمت یکی از شرکا هیچ توجیهی ندارد. زمانی که بانک شرط می‌کند در پایان دوره مشارکت مشتری باید حق‌الشرکه او را به‌اضافه درصد مشخصی از سود بخرد، عملاً بانک با یک سود تضمین‌شده و مشخص مواجه است؛ در صورتی که در مشارکت واقعی این امر به هیچ‌عنوان پذیرفته‌شده نیست.

در این میان، سؤال مطرح این است که دلیل پیدایش چنین پدیده‌ای چیست و چرا آنچه در عمل اجرا می‌شود، با آنچه از مشارکت مدنی انتظار می‌رود، این قدر متفاوت است؟ به نظر می‌رسد نمی‌توان اشکال را به بانک یا مشتری و یا قابلیت‌های عقد مشارکت وارد کرد بلکه دلیل اصلی همان عدم انطباق ظرف بانک و مظروف مشارکت است که در مقدمه بدان اشاره کردیم. پس از اینکه همین وضعیت را در مورد دیگر عقد مهم از عقود مشارکتی یعنی مضاربه بررسی کردیم، در بخش بعدی تلاش می‌کنیم تا به تفصیل به چرایی مسئله بپردازیم.

۲-۱. عقد مضاربه

۱-۲-۱. ویژگی‌های مهم عقد مضاربه از نظر فقهی

عقد مضاربه «قراردادی است بین دو طرف که یکی سرمایه را تأمین می‌کند و دیگری کار با آن را برعهده می‌گیرد و سود میان آن‌ها تقسیم می‌شود» (ایروانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۳۳). مضاربه نیز همانند مشارکت دارای ویژگی‌هایی است که برای اجرای صحیح آن باید مورد توجه قرار گیرد؛ از مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (ایروانی، ۱۳۸۳ و علامه حلی، بی‌تا):

- سهم هرکدام از مالک (فردی که سرمایه را فراهم می‌کند) و عامل (فردی که قرار است با سرمایه به کسب و کار پردازد) از سود باید در زمان انعقاد قرارداد مشخص باشد. تعیین سهم باید بر اساس درصدی از کل سود فعالیت باشد و نمی‌توان یک میزان قطعی برای آن تعیین کرد؛
- اختصاص بخشی از سود به فرد ثالثی که نقشی در مضاربه ندارد، صحیح نیست.
- سرمایه مالک باید به صورت نقدی باشد و مضاربه با دین (بدهی) و یا کالا صحیح نیست؛
- در مضاربه کسب سود باید تنها از راه فعالیت‌های تجاری انجام شود و اگر از روش‌های دیگری مثل کشاورزی یا تولید، سود ایجاد شود، به آن مضاربه اطلاق نمی‌شود.
- مضاربه عقدی جایز است؛ یعنی هرکدام از دو طرف می‌توانند در هر زمان آن را فسخ کنند، مگر اینکه در ضمن یک عقد لازم ثالث، عدم فسخ آن تا مدت معین شرط شود.
- در صورت فسخ قرارداد پیش از پایان کار، کالا فروخته می‌شود، سرمایه به مالک بازگردانده می‌شود و اگر سودی ایجاد شده بود، به نسبت تعیین شده تقسیم می‌شود؛
- کاری را که عامل در مضاربه برعهده می‌گیرد، باید در حد توانایی او باشد؛

- عامل ضامن هیچ‌زانی که از تجارت حاصل شده باشد، نیست و فقط در سود شریک است. مگر اینکه شرط شود که او باید بخشی از زیان را بر عهده گیرد؛
- عامل امین است و اگر بدون کوتاهی او سرمایه از بین رود، او ضامن نیست.

۱-۲-۲. نحوه استفاده از عقد مضاربه در نظام بانکی

زمانی که یک مشتری به بانک مراجعه می‌کند تا در قالب عقد مضاربه تسهیلات دریافت کند، بانک به‌عنوان مالک، سرمایه مشخصی را برای خرید و فروش یک کالای خاص در یک دوره مشخص در اختیار مشتری قرار می‌دهد. پس از پایان مدت قرارداد، مشتری باید اصل سرمایه بانک را به همراه درصدی از سود که در قرارداد توافق شده است، به بانک پرداخت کند. اگر مضاربه به این صورت انجام شود، هیچ اشکالی نمی‌توان به آن مطرح کرد، اما مشابه با حالتی که در عقد مشارکت با آن مواجه بودیم، اجرای عقد مضاربه به این شکل ریسک‌هایی را برای بانک ایجاد می‌کند که پذیرش آن برای بانک ممکن نیست. بانک مجبور است برای مدیریت ریسک خود شروطی را در قرارداد وارد کند که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است. به‌این‌ترتیب، مشابه با مشارکت، می‌توان مشاهده کرد که آنچه در نهایت به‌عنوان مضاربه در بانک اجرا می‌شود، بسیار متفاوت از آنچه در فقه مضاربه نامیده می‌شود، است.

بر اساس صمصامی و داوودی (۱۳۸۹)^۲ در ابتدای قراردادی که بانک با مشتری منعقد می‌کند، بندی است که بر اساس آن، مشتری تعهد می‌نماید غیر از هزینه‌های خرید کالا، بقیه هزینه‌ها را از اموال خود مجاناً پردازد و سهم بانک از این هزینه‌ها را در مقابل دریافت مبلغ اندکی مانند هزار ریال صلح نماید. در ضمن این عقد صلح موارد ذیل تعهد می‌شود:

- مشتری متعهد می‌شود در صورتی که به هر دلیل حتی حوادث قهری، خسارتی به اصل سرمایه بانک وارد آید، خسارت واردشده را به میزانی که بانک تعیین می‌کند، پردازد؛
- مشتری تعهد می‌نماید کالای خریداری‌شده را تا زمان فروش به نام و به نفع بانک بیمه کند؛

- مشتری همه شرایط این قرارداد را می‌پذیرد و حق فسخ قرارداد را تا پایان مدت آن از خود سلب می‌کند؛
 - در صورتی که در پایان قرارداد تمام یا بخشی از کالای مضاربه به فروش نرسیده باشد، عامل تقبل می‌کند که آن را به قیمت روز یا قیمت مورد توافق که در هر صورت از قیمت تمام‌شده به‌اضافه... درصد کمتر نخواهد بود، بخرد؛
 - در صورتی که مشتری از هریک از شروط قرارداد به تشخیص بانک تخلف کند، بانک می‌تواند قرارداد را فسخ کند و کلیه مطالبات خود را (بنا به محاسبه بانک) یکجا طلب کند که عامل باید ظرف زمان مشخصی بپردازد.
- همان‌طور که مشاهده می‌شود، بر اساس شرایط مندرج در این قرارداد، نه تنها همه زیان‌های متصور بر این خرید و فروش، چه عمده‌ی و چه سهوی، برعهده مشتری خواهد بود بلکه مشتری متعهد می‌شود به هر نحوی حتی اینکه خودش کالای مورد مضاربه را بخرد، سود مورد انتظار بانک از این قرارداد را تحقق بخشد و سهم بانک را از سود بپردازد. باز هم کاملاً آشکار است که این قرارداد با آنچه در فقه به نام مضاربه شناخته می‌شود، تفاوت زیادی دارد. در بخش بعدی تلاش می‌شود تا دلایل ایجاد چنین پدیده‌ای در نظام بانکداری به تفصیل بررسی گردد.

۲. وجود تفاوت ماهوی میان بانک و عقود مشارکتی

با توجه به مباحث مطرح‌شده در بخش قبل، ممکن است این نکته مطرح شود که دلیل عدم اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی به‌شکلی که در فقه برای این عقود ترسیم شده است، بانک‌ها و قراردادهای آنهاست؛ بدین معنا که بانک‌ها می‌توانند قراردادهای مرتبط با عقود مشارکتی خود را طوری طراحی کنند که اشکالات قبلی به آنها وارد نباشد. در این بخش بیان می‌گردد که به‌علت عدم انطباق ماهیت بانک با الزامات اجرایی عقود مشارکتی، امکان اجرای این عقود به‌نحوی که در فقه به آن پراخته شده، برای بانک‌ها وجود ندارد. این عدم انطباق در دو حوزه خرد و کلان بررسی می‌گردد. از یکسو، اجرای عقود مشارکتی به‌شکل صحیح آن دارای ویژگی‌هایی است که با قابلیت‌ها، کارکردها و وظایف نهاد بانک به‌عنوان یک واسطه مالی در تضاد است و از

سوی دیگر، به کارگیری عقود مشارکتی در بانک با کارکردهای بانک در سطح کلان اقتصاد نیز مغایر است.

۱-۲. عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در حوزه خرد

بانک در نگاه خرد، یک واسطه مالی در اقتصاد است که وظیفه آن جمع‌آوری وجوه و ارائه تسهیلات به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است؛ به این ترتیب، بانک باید سازوکاری را طراحی کند که از طریق آن وجوه مازاد را از سپرده‌گذاران جمع‌آوری کند و همچنین، منابع خود را در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار دهد. این سازوکار در نظام بانکداری متعارف بر اساس نرخ بهره طراحی شده است؛ یعنی سپرده‌گذاران وجوه مازاد خود را در قبال دریافت بهره به بانک می‌سپارند و بانک نیز در قبال دریافت بهره به متقاضیان تسهیلات وام می‌دهد. این سازوکار به هیچ عنوان در نظام بانکداری اسلامی قابل قبول نیست؛ زیرا در متون فقهی (ایروانی)، از شرط دریافت مازاد در قبال قرض دادن به عنوان ربا یاد می‌شود و این دقیقاً همان چیزی است که در نظام بانکداری متعارف اتفاق می‌افتد. به همین دلیل در نظام بانکداری اسلامی راهکارهایی تعبیه شده است که فرایند جذب و تخصیص منابع بدون دخالت بهره و با استفاده از عقود اسلامی انجام پذیرد. اما نکته حائز اهمیت در طراحی الگوی عملیاتی بانکداری اسلامی، این است که نقش بانک به عنوان یک واسطه مالی حفظ شود؛ زیرا اولاً، ماهیت و فلسفه وجودی بانک همین است که تنها یک واسطه باشد و ثانیاً، انتظاری که افراد و نهادهای فعال در اقتصاد از بانک دارند نیز به این امر محدود می‌شود. اجرای عقود مشارکتی به معنای ورود به همه مراحل اجرای یک پروژه شامل انجام مطالعات امکان‌سنجی، تأمین منابع مالی، خرید تجهیزات، ساخت پروژه و بهره‌برداری از آن است و این امر بانک را از ماهیت اصلی خود خارج و به یک شریک سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند.

مصادیق نبود تطابق میان نهاد بانک و عقود مشارکتی در سطح خرد اقتصاد را

می‌توان در موارد ذیل بررسی نمود:

۲-۱-۱. نبود توان و تخصص در بانک برای مشارکت

بانک یک نهاد مالی است و به همین دلیل نیروهای انسانی و زیرساخت‌های اداری و تشکیلاتی آن متناسب با امور مالی طراحی شده است؛ در نتیجه، حتی اگر بانک بخواهد مشارکت را به صورت دقیق انجام دهد، نمی‌تواند به سبب کمبود توان کارشناسی و اجرایی، وارد مراحل ساخت و بهره‌برداری از یک پروژه شود و یا حتی بر آن نظارت داشته باشد؛ برای مثال، نیروی انسانی فعال در بانک چگونه می‌تواند در مورد حسن اجرا در ساخت و یا بهره‌برداری یک پروژه فناوری زیستی در حوزه اصلاح نباتات نظارت داشته باشد.

۲-۱-۲. نبود قصد واقعی برای مشارکت

در بسیاری از موارد وقتی یک مشتری با بانک وارد عقد مشارکت می‌شود، هیچ‌کدام از بانک و مشتری قصد واقعی برای مشارکت در پروژه را ندارند. مشتری به دنبال دریافت تسهیلات برای تأسیس و یا تکمیل طرح خود است و اتفاقاً تمایل دارد خودش همه طرح را در اختیار داشته باشد، اما چون راهکار دیگری در نظام بانکی برای دریافت تسهیلات ندارد، مجبور است از تسهیلات مشارکتی استفاده کند. همچنین، بانک نیز همان‌طور که گفته شد، توان نظارتی و اجرایی ورود به مشارکت را ندارد و بنابراین، ترجیح می‌دهد همه امور مرتبط با پروژه توسط مشتری انجام شود و بانک همان سود ثابت موجود در قرارداد را دریافت کند. همچنین، در صورت انجام مشارکت به معنی اصلی آن، منابع بانک در پروژه قفل می‌شود و توان تسهیلات‌دهی بانک کاهش می‌یابد که این با وظیفه اصلی بانک در تضاد است. به این ترتیب، زمانی که مشتری و بانک هیچ‌کدام قصد انجام مشارکت واقعی را ندارند، چگونه می‌توان انتظار داشت که این عقد به صورت اصولی انجام شود.

۲-۱-۳. عدم تطابق مشارکت با ریسک قابل پذیرش بانک

یکی از اصلی‌ترین مصادیق عدم تطابق ماهوی عقد مشارکت با بانک تفاوت آن‌ها در درجه ریسک است. عقد مشارکت در ذات خود دربردارنده درجه ریسک بالایی است.

اگر بانک به صورت واقعی در یک پروژه شریک شود، هرگونه خطر یا زیان عمدی و غیرعمدی که در مورد پروژه ممکن است رخ دهد، منابع بانک را تهدید می‌کند و از آنجاکه منابع بانک برای خودش نیست و متعلق به سپرده‌گذاران است و درجه ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران معمولاً کم است، پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. دلیل اصلی تغییر شکل قراردادهای مشارکتی در نظام بانکداری نیز همین امر است؛ از آنجاکه بانک نمی‌تواند این میزان از ریسک را بپذیرد، بندهای موجود در قرارداد را طوری تغییر می‌دهد تا در حد امکان همه ریسک‌های موجود در پروژه را به مشتری منتقل کند و به دریافت سود ثابت اکتفا می‌کند.

۲-۲. عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در حوزه کلان

یکی از مباحثی که در مورد به کارگیری عقود مشارکتی در نظام بانکی مطرح می‌شود، این است که بانک باید ساختار خود را به نحوی تغییر دهد که بتواند عقود مشارکتی را به طور صحیح اجرا کند. با توجه به مطالبی که تاکنون بیان شد، باید روشن شده باشد که این بحث اساساً امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اگر بانک ساختار خود را طوری تغییر دهد که بتواند به طرح‌های تخصصی حوزه‌های مختلف علمی اشراف فنی و نظارتی داشته باشد و یا از منابعی غیر از سپرده افراد استفاده کند که درجه ریسک‌پذیری اش بالاتر رود، دیگر اسم این نهاد را نمی‌توان بانک گذاشت و نباید کارکردهای یک بانک را از آن انتظار داشت. اما اگر تصور کنیم که به فرض محال بانک بتواند ساختار خود را طوری تغییر دهد که امکان اجرای صحیح عقود مشارکتی برای آن ممکن باشد، این امر موجب بروز اختلال در سطح کلان اقتصاد خواهد شد بدین معنا که بانک دیگر نخواهد توانست وظایفی را که در اقتصاد کلان برعهده دارد، به درستی انجام دهد.

برخی از مصادیق عدم تطابق نهاد بانک با عقود مشارکتی در سطح کلان اقتصاد را می‌توان در موارد ذیل بیان کرد:

۲-۱. بروز اختلال در سازوکار اعمال سیاست پولی

بانک به مثابه نهاد مجری سیاست‌های پولی شناخته می‌شود. اجرای سیاست‌های انقباضی و انبساطی از طریق ابزارهایی انجام می‌شود که عمده آن‌ها در ساختار و کارکرد بانک تعریف شده است. اجرای عقود مشارکتی تعهداتی برای تأمین سرمایه طرح‌ها برعهده بانک می‌گذارد که اجتناب‌ناپذیر است. در طول اجرای طرح، صرف‌نظر از انقباضی یا انبساطی بودن سیاست پولی، بانک موظف به تأمین منابع مالی مورد نیاز طرح‌هاست و این امر می‌تواند فرایند سیاست‌های پولی بانک مرکزی را با اختلال همراه کند.

همچنین، با توجه به اینکه یکی از ابزارهای اصلی بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی در اقتصاد ایران تعیین حداکثر نرخ تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصادی است، در صورتی که بانک از عقود مشارکتی برای تأمین مالی استفاده کند، این ابزار کارایی خود را از دست می‌دهد؛ برای مثال، زمانی که بانک مرکزی در قالب آیین‌نامه‌هایی نرخ مجاز تسهیلات‌دهی بانک‌ها را کاهش می‌دهد، در نظر دارد تسهیلات بانکی آسان‌تر و با هزینه کمتری به تولیدکنندگان برسد و کاهش سطح قیمت‌ها را به‌دنبال داشته باشد. این سیاست زمانی اجراشدنی است که بانک‌ها در قالب عقود مبادله‌ای تسهیلات اعطا کنند. در صورتی که بانک‌ها چه به‌صورت واقعی و چه به‌شکل صوری و برای سرپیچی از دستورالعمل بانک مرکزی در قالب عقود مشارکتی تسهیلات ارائه کنند، دیگر بانک مرکزی نمی‌تواند نرخ‌های برای این نوع تسهیلات‌دهی مشخص کند و اعمال سیاست پولی به این روش ناممکن خواهد بود.

۲-۲. ایجاد اختلال در سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران

در رابطه با نرخ سود بانکی نیز که به‌عنوان یک شاخص مهم اقتصادی در هدایت سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، موکول کردن آن به نرخ سود پروژه‌ها و طرح‌ها، انعطاف‌پذیری و تنوع زیادی در نرخ سودهای بانکی ایجاد می‌کند که منجر به اختلال در نرخ بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذارانی که در خارج از بانک فعالیت می‌کنند، می‌شود. بر اساس نظریه‌های اقتصادی، زمانی که سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی ارزیابی می‌گردد، نرخ سود حاصل از آن با نرخ سود بدون ریسک^۳ در اقتصاد

مقایسه می‌شود. اگر نرخ سود این سرمایه‌گذاری از نرخ سود بدون ریسک به‌اندازه‌ای بیشتر باشد که صرف ریسک^۴ در آن حوزه را پوشش دهد، سرمایه‌گذاری انجام می‌شود، در غیر این صورت، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد پول خود را صرف دریافت همان نرخ سود بدون ریسک کند. نرخ سود بدون ریسک در اقتصاد متعارف معمولاً با نرخ سود اوراق خزانه که کاملاً دولتی و تضمین شده است، معرفی می‌شود. درست است که در اقتصاد اسلامی این‌گونه اوراق و یا حتی به‌نحوی نرخ سود بدون ریسک وجود ندارد، اما با وجود عقود مبادله‌ای و فعالیت‌های مبتنی بر آنکه با ریسک بسیار کمی همراه است، نرخ سود با ریسک کم قابل تعریف است. از آنجاکه بخش عمده‌ای از فعالیت‌های نظام بانکی بر اساس همین عقود مبادله‌ای در حال انجام است، نرخ سود سپرده‌های بانکی (که حاصل نرخ سود بانک منهای حواله‌کاله بانک است) یکی از بهترین مصادیق نرخ سود با ریسک کم است؛ یعنی حداقل سودی که یک فرد در اقتصاد می‌تواند دریافت کند، این است که یک سپرده بانکی افتتاح کند. در این شرایط نرخ سود بانکی مبنایی برای تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌های سرمایه‌گذاری خواهد بود. هر پروژه‌ای که دارای بازدهی این نرخ به اضافه صرف ریسک آن فعالیت باشد، مورد پذیرش سرمایه‌گذاران خواهد بود.

حتی اگر بانک بتواند عقود مشارکتی را به‌شکل صحیح انجام دهد، در این صورت بانک وارد فعالیت‌های پرریسک شده، درآمد بیشتری کسب کرده و در نتیجه سود بیشتری نیز به سپرده‌گذاران خود اعطا می‌کند. در این شرایط آیا باز هم می‌توان گفت نرخ سود سپرده‌های بانکی به‌عنوان نرخ سود کم‌ریسک مبنایی برای تصمیمات سرمایه‌گذاری است؟ پاسخ منفی است؛ زیرا این نرخ سود اساساً دیگر کم‌ریسک نیست و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی پرریسک (سبد وام‌دهی مشارکتی بانک) در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. اشکال این امر نیز زمانی ظهور می‌یابد که نرخ سودی که بانک به سپرده‌گذار خود می‌دهد، بیشتر از سود فعالیت‌های اقتصادی در برخی بخش‌ها باشد. در این حالت سرمایه‌گذاری افراد در این بخش‌ها توجیه‌ناپذیر است و فرد ترجیح می‌دهد سود بانکی دریافت کند؛ برای مثال، اگر نرخ سود سپرده بانکی ۱۵ درصد، و سود حاصل از سرمایه‌گذاری در بخش نساجی ۱۳ درصد باشد، هیچ سرمایه‌گذاری در

این بخش سرمایه‌گذاری نخواهد کرد؛ درحالی‌که شاید اگر نرخ سود کم‌ریسک، ده درصد بود و بر اساس آن سرمایه‌گذاری در بخش نساجی توجیه اقتصادی داشت.

۲-۳. عدم جهت‌دهی منابع افراد ریسک‌گریز به سمت سرمایه‌گذاری

در اقتصاد متعارف برای جمع‌آوری وجوه از افراد با ذائقه‌های ریسکی متفاوت نهادهای متفاوتی وجود دارد. افراد ریسک‌پذیرتر به سمت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ها می‌روند و افراد ریسک‌گریز نیز وجوه خود را در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند. در صورتی که بانک‌های اسلامی تنها از عقود مبادله‌ای برای اعطای تسهیلات استفاده کنند، درآمد آن‌ها با ریسک بسیار پایینی همراه خواهد بود و بر این اساس، می‌توانند به سپرده‌گذاران نیز سود با ریسک پایین اعطا کنند. اما اگر بانک‌های اسلامی وارد فعالیت‌های مشارکتی واقعی شوند آن‌ها نیز همانند سایر واسطه‌های مالی یک نهاد ریسک‌پذیر محسوب می‌شوند و دیگر نمی‌توان انتظار داشت به سپرده‌گذاران خود درآمدی با ریسک کم ارائه دهند. این امر موجب می‌شود تا این بانک‌ها نتوانند سپرده‌های افراد ریسک‌گریز را به سمت سرمایه‌گذاری هدایت کنند. بنابراین در چنین نظام اقتصادی بخشی از منابع بی‌استفاده و سرگردان رها خواهد شد.

جمع‌بندی

با وجود رشد چشمگیر بانکداری اسلامی در دو دهه گذشته، این صنعت با چالش‌هایی نیز همراه بوده است که توجه به آن‌ها می‌تواند در استمرار مسیر رشد بانکداری اسلامی اثر بسزایی داشته باشد. در همین راستا، عدم اجرای صحیح عقود مشارکتی یکی از چالش‌های اساسی بانکداری اسلامی است. بررسی نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک نشان می‌دهد آنچه در بانک اجرا می‌شود، با آنچه در فقه به‌عنوان مشارکت معرفی شده، دارای تفاوت‌های زیادی است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی وجود این تفاوت به قابلیت‌های نهاد بانک از یک سو و ویژگی‌های عقود مشارکتی از سوی دیگر برمی‌گردد؛ اولاً، بانک به‌عنوان یک واسطه مالی دارای خصوصیات است که نمی‌تواند اجرای صحیح عقود مشارکتی را در خود جای دهد. استفاده از منابع سپرده‌گذاران

عمدتاً ریسک‌گریز و نبود توان تخصصی در نظارت و اجرای پروژه‌های مشارکتی، از مهم‌ترین خصوصیات این نهاد مالی است که با اجرای مشارکت در تعارض است؛ ثانیاً، اگر بر فرض محال، بانک بتواند ساختار خود را طوری تغییر دهد که قادر باشد عقود مشارکتی را به همان نحو مورد تأکید در شرع انجام دهد، در مورد وظایف خود در سطح اقتصاد کلان ناکارآمد عمل خواهد کرد. در صورت اجرای عقود مشارکتی دیگر نرخ سود بانکی نمی‌تواند به‌عنوان نرخ سود کم‌ریسک ملاکی برای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها باشد. همچنین در نقش‌های دیگر بانک مانند جهت‌دهی منابع افراد ریسک‌گریز به سمت سرمایه‌گذاری و همراهی با بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی نیز اختلال ایجاد می‌شود.

به همین جهت بانک‌ها برای استفاده از عقود مشارکتی مجبور هستند در قراردادهای خود با مشتری تغییراتی را ایجاد کنند که اجرای این عقود را با ویژگی‌های خود در سطح خرد و وظایف خود در سطح کلان همراه کنند. اگرچه ممکن است هیچ اشکال شرعی بر این قراردادهای تغییر یافته وارد نباشد، اما آنچه در عمل اجرا می‌شود، با ماهیت آنچه که توسط شارع به‌عنوان مشارکت معرفی شده است، بسیار متفاوت است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد طراحی یک الگوی بانکداری اسلامی به‌نحوی که در آن از عقود مشارکتی در نهاد بانک هیچ استفاده‌ای نشده باشد، ضروری است.

یادداشت‌ها

۱. علاوه بر منبع مذکور نمونه‌ای از قرارداد مشارکت مدنی چند بانک دولتی و خصوصی فعال در نظام بانکی کشور نیز بررسی و استفاده شده است.
۲. در مورد مضاربه نیز علاوه بر منبع مذکور، از قرارداد مضاربه چند بانک دولتی و خصوصی فعال در نظام بانکی کشور استفاده شده است.

3. risk free interest rate
4. risk premium

کتابنامه

اقبال، منور، احمد، اوصاف و خان، طریق الله (۱۳۸۷)، چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی، ترجمه حسین میسمی و مسلم بمانپور، دانشگاه امام صادق(ع) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ایروانی، محمدباقر (۱۳۸۳)، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، قم.
توتونچیان، ایرج (۱۳۸۱)، «آیا بانکداری ایران اسلامی است؟»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۶.

صمصامی، حسین و داودی، پرویز (۱۳۸۹)، به سوی حذف ربا از نظام بانکی از نظریه با عمل، دانایی توانایی.

علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، ترجمه و شرح تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، ترجمه ابوالحسن شعرانی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع).
موسویان، سید عباس (۱۳۸۹)، اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

Dar, Humayon A. and Presley, John R. (2000), "Lack of Profit and Loss Sharing in Islamic Banking: Management and Control Imbalances", *International Journal of Islamic Finance*, 2(2): 3-18.

Iqbal, M. & Molyneux P. (2005), "Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects", *Islamic Economic* 19, 1, 37-39.

Iqbal, Zamir and Mirakhor, Abbas (2007), *An Introduction to Islamic Finance: Theory and Practice*, Chichester: John Wiley & Sons, Inc.

Khan, Tariquallah & Ahmed, Habib (2001), "Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry", *Occasional Paper*, No.5, Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.

Malik, Muhammad Shaukat & Mustafa, Ali Malik and Waqas (2011), "Controversies that Make Islamic Banking Controversial: An analysis of issues and challenges", *American Journal of Social and Management Science*, 2(1): 41-46

Siddiqui, M. N. (2006), "Islamic Banking and Finance in Theory and Practice: A Survey of State of the Art", *Jeddah Journal of Islamic Economics Studies*, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, 13, 2, 29-42.

The Islamic Funds & Investments Report 2010, by Earnest & Young, available at:

[http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/2010_The_Islamic_Funds_and_Investment_report/\\$FILE/IFIR%202010.pdf](http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/2010_The_Islamic_Funds_and_Investment_report/$FILE/IFIR%202010.pdf)

Usmani, T. (2008), "Islamic Finance: Musharakah & Mudarbah", *Journal of Islamic Banking and Finance*, 25, 3, 41-53.

World Takaful Report 2011, by Earnest & Young, available at:

[http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/World_Takaful_report_April_2011/\\$FILE/WTR2011EYFINAL.pdf](http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/World_Takaful_report_April_2011/$FILE/WTR2011EYFINAL.pdf)